

نحوه بازنمایی ایدئولوژی در روزنامه‌های داخلی و خارجی درباره برنامه هسته‌ای ایران*

گیتی تاکی^۱

مریم نخعی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۶/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۱۶

چکیده

ایدئولوژی‌ها ساخت‌هایی معنایی هستند که در تولید، بازنمایی و تغییر روابط نابرابر قدرت نقش دارند و به واسطه معنا با گفتمان و زبان که ابزار تولید معناست، پیوند می‌خورند. ایدئولوژی‌ها در قالب رخداد‌های گفتمانی، تولید می‌شوند و انتقال می‌یابند. عناوین خبری مطبوعات نمونه‌های این رخداد‌های گفتمانی هستند. در این پژوهش در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی و با بهره‌گیری از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی الگوی تحلیلی ون لیوون (۱۹۹۶) همچون «حذف، اظهار، پیوند زدن، ارزش‌دهی و تفکیک کردن»، به بررسی چگونگی بازنمایی ایدئولوژی‌ها درباره برنامه هسته‌ای ایران در سال ۱۳۹۰ در روزنامه‌های داخلی و خارجی به‌شکل تحلیلی و توصیفی پرداخته شده و بسامد استفاده از این مؤلفه‌ها توسط هر دو گروه از روزنامه‌ها تعیین و مقایسه گردیده است تا به این سؤال پاسخ داده شود که بازنمایی ایدئولوژی در برنامه مذکور با استفاده از کدام مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی صورت می‌گیرد و آیا نحوه این بازنمایی و بسامد استفاده از مؤلفه‌ها در روزنامه‌های داخلی و خارجی یکسان است. برای این منظور ۲۴۲ عنوان از دو روزنامه داخلی ایران و کیهان و دو روزنامه خارجی گاردین و واشنگتن‌پست درباره موضوع هسته‌ای ایران مورد بررسی تحلیلی و توصیفی قرار گرفت. نتایج تحلیل حاکی از این است که نوع مؤلفه‌های به‌کاررفته یکسان است و میزان استفاده از مؤلفه‌ها در روزنامه‌های ذکرشده، بیشتر در مؤلفه حذف، تفاوت می‌کند، اما نحوه استفاده از این مؤلفه‌ها متفاوت و منطبق بر ایدئولوژی و دیدگاهی است که از آن جانبداری می‌کنند. در واقع ایدئولوژی‌های متفاوت به بهره‌گیری متفاوت از مؤلفه‌های زبانی منجر می‌شود.

کلیدواژه: تحلیل گفتمان انتقادی، ایدئولوژی، مطبوعات، انرژی هسته‌ای، مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی

* مقاله برگرفته شده از پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مریم نخعی، دانشگاه سیستان و بلوچستان
۱. استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان. giti_taki2020@yahoo.com
۲. کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی، (نویسنده مسئول). Maryamnakhaei84@yahoo.com

بازنمایی در دیدگاه هال (۲۰۱۳: ۱۴) بهره‌گیری از زبان برای تولید یا ابراز نکته‌ای معنامند دربارهٔ جهان به دیگران است. وی بازنمایی را بخشی اساسی از فرایندی می‌داند که معنا را میان افراد یک فرهنگ بازتولید و مبادله می‌کند. بازنمایی تحت نظر قدرتی خاص، تولید و توزیع می‌شود و در کنترل قدرتی مسلط قرار دارد که مقررات و مقبولیت مفاهیم را تعیین می‌کند. در این میان می‌توان گفت که بازنمایی با روابط قدرت درآمیخته است که در راستای تداوم و تقویت نابرابری‌های اجتماعی به تولید معنا می‌پردازد (مهدی‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۹).

از طرفی ایدئولوژی‌ها نیز ساختارهایی معنامند هستند که در بازتولید روابط نابرابر قدرت نقش دارند. در واقع ایدئولوژی به واسطهٔ معنا با گفتمان و زبان که ابزار تولید معناست، پیوند می‌خورد (سلطانی و دیگران، ۸۷). ایدئولوژی زمانی بیشترین اثر را خواهد داشت که کارکردها و تأثیرات آن کمترین میزان روشنی و وضوح را داشته باشند (فرکلاف، ۱۹۹۶: ۴۸).

در دنیای کنونی رسانه‌ها در شکل‌دهی به افکار عمومی مردم بسیار مؤثرند. اطلاعاتی که از رسانه‌ها پخش می‌شود تا حد زیادی به برداشت‌های عموم از واقعیت شکل می‌دهد (ربیعی و احمدزاده نامور، ۱۳۷۸). بنابراین رسانه‌ها صرفاً آینه‌هایی برای انعکاس واقعیت نیستند. رسانه‌ها بر ساخت اجتماعی واقعیت تأثیر می‌گذارند و آنچه از این دریچه برمی‌خیزد بازنمایی واقعیت (ساخت رسانه‌ای واقعیت) است (مهدی‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۹). رسانه‌ها به بازنمایی امور پنهان و نهفته یا باورها و ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌ها می‌پردازند. در واقع رسانه‌ها سازندهٔ محیط نمادینی هستند که تأثیر عمدهٔ آنها، شکل‌گیری تصویر ذهنی مخاطبان از دنیای اطراف است (همان، ۵۱).

در پوشش اخبار مربوط به برنامهٔ هسته‌ای ایران نیز صاحبان قدرت سعی در القای دیدگاه فکری خود از طریق ساختارهای خاص زبانی دارند و ایدئولوژی آنها از طریق استفاده از ابزارها و مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی بر فکر و اندیشهٔ افراد و شیوهٔ برداشت آنها از مسائل اجتماعی مربوط به این برنامه، تأثیرگذار است. با توصیف ایدئولوژی پنهان و آشکارسازی جنبه‌های پنهان استفاده از عناصر گفتمان‌مدار، می‌توان حقایق را نشان داد و شگردهایی را که به‌ویژه روزنامه‌های خارجی برای مخدوش کردن



واقعیات، مشروعیت بخشی به خود و مشروعیت زدایی از غیر خودی به کار می گیرند، به تصویر کشید. انجام این پژوهش می تواند به روشن سازی حقیقت و روشننگری افکار عمومی در خصوص نحوه انعکاس اخبار مربوط به برنامه هسته ای ایران کمک کند و با بیان نمونه های ملموس و مستند از ساختارهای گفتمان مدار در عناوین خبری مربوط به این برنامه در روزنامه های داخلی و خارجی، ایدئولوژی پنهان آنها را به طور مستدل نشان دهد. نتایج این پژوهش می تواند در تجزیه و تحلیل های سیاسی و اجتماعی در موضوع هسته ای ایران در سطح جامعه یا محیط های آموزشی و نیز کارهای پژوهشی مورد استناد قرار گیرد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی صورت گرفته است.

ضعف های صورت گزایی در حوزه تحلیل گفتمان و نارکارآمدی نقش گزایی در تحلیل مسائل اجتماعی باعث شد که در دهه ۱۹۷۰ میلادی برای برطرف ساختن این ضعف ها، مفاهیمی چون قدرت و ایدئولوژی به تحلیل گفتمان اضافه شود و در قالب تحلیل گفتمان انتقادی، میان بافت های زبانی و مسائل اجتماعی و فرهنگی ارتباط ایجاد شود. زبان شناسی انتقادی بر این فرض استوار است که کلیه متون در هر بافتی حتماً از لحاظ ایدئولوژیکی ساخت مند شده اند، لذا ناگزیر دارای ساختی ایدئولوژیکی هستند و این ساخت های ایدئولوژیکی اعم از ساخت ایدئولوژیکی متون و ساخت ایدئولوژیکی زبان می توانند به ساخت های اجتماعی و فرایندهایی که سرچشمه اصلی متون خاص هستند، مربوط شوند. بنابراین در درون زبان شناسی انتقادی، هدف از تجزیه و تحلیل یک فرایند حتماً کشف معانی پیچیده و غیرعادی موجود در متون نیست، بلکه ابهام زدایی و شفاف کردن آن دسته از فرایندهای مربوط به درک و تولید است که به تحلیلگران این قدرت را می دهد که بتوانند عملکرد ایدئولوژی در زبان را ببینند و به دیگران معرفی کنند (آقاگل زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

ون لیوون^۱ (۲۰۰۹: ۲۷۸-۲۷۶) نیز معتقد است که بنیان این نوع تحلیل بر این اصل استوار است که نحوه بیان گفتار و نوشتار بر تداوم و موجه ساختن عواملی چون تبعیض، نابرابری و اعمال زور بر جامعه از سوی قدرت حاکم مؤثر است؛ ضمن اینکه





این نوع تحلیل به میزان اهمیت و ارزش‌دهی به موضوعات اجتماعی در گفتمان صاحبان قدرت می‌پردازد. وی (۱۹۹۶) بر پایه این نوع تحلیل چارچوبی را با عنوان بازنمود کارگزاران اجتماعی ارائه کرده است که به اعتقاد او به شناخت بهتر و عمیق‌تر از متن و لایه‌های زیرین آن منجر می‌شود. ون لیوون برخلاف بیشتر پژوهش‌هایی که پیش از این در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی صورت گرفته است، به‌منظور توسعه این نوع تحلیل، برای نخستین بار از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی استفاده کرده است. وی علت این امر را عدم انطباق میان کارگزاران اجتماعی و زبانی می‌داند.

در این مقاله با بهره‌گیری از مؤلفه‌های حذف^۱، اظهار^۲، تفکیک کردن^۳، پیوند زدن^۴ و طبقه‌بندی^۵ و نیز بررسی بسامد آنها، چگونگی بازنمایی ایدئولوژی‌ها درباره برنامه هسته‌ای ایران در روزنامه‌های داخلی و خارجی در طول سال ۱۳۹۰ مورد تحلیل قرار می‌گیرد. این پژوهش در پی پاسخ دادن به این سؤال است که ایدئولوژی در روزنامه‌های داخلی و خارجی در طول سال ۱۳۹۰ درباره برنامه هسته‌ای ایران از طریق کدام مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی بازنمایی شده است و آیا نحوه این بازنمایی و بسامد استفاده از مؤلفه‌ها در روزنامه‌های داخلی و خارجی یکسان است یا خیر.

داده‌های پژوهش عناوینی از دو روزنامه فارسی‌زبان *کیهان* و *ایران* و دو روزنامه انگلیسی‌زبان *گاردین*^۶ و *واشنگتن‌پست*^۷ در طول سال ۱۳۹۰ (معادل آوریل ۲۰۱۱ تا فوریه ۲۰۱۲) است که از وبگاه‌های این روزنامه‌ها جمع‌آوری شده است. مجموع عناوین جمع‌آوری شده از چهار روزنامه، ۲۴۲ عنوان است که شامل ۱۲۱ عنوان از هر گروه (داخلی و خارجی) است و به‌صورت تحلیلی - توصیفی (کمی و کیفی) بر اساس الگوی پژوهش بررسی شده‌اند.

1. exclusion
2. inclusion
3. differentiation
4. association
5. categorization
6. The Guardian
7. The Washington Post

پیشینه و ضرورت انجام پژوهش

در سال‌های اخیر برنامه هسته‌ای ایران از نقطه نظر زبان‌شناسی موضوع تعدادی از مقالات و پایان‌نامه‌ها بوده است که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود. شمس (۱۳۸۵) به تحلیل گفتمان انتقادی موضوع هسته‌ای ایران در روزنامه‌های انگلیس و تصویر ارائه شده از انرژی هسته‌ای ایران در عناوین و متون تعدادی از روزنامه‌های این کشور با استفاده از الگوی پیشنهادی ون‌دایک^۱ (۱۹۸۵) و همچنین نظریه گذرایی هلیدی^۲ (۱۹۸۵) پرداخته است. نتایج حاصله حاکی از آن است که روزنامه‌های انگلیسی ضمن استفاده از ساختارهای زبانی خاص، ارائه‌گر تصویری منفی از برنامه هسته‌ای ایران هستند.

مقاله‌ای نیز با عنوان «تحلیل گفتمان سرمقاله‌های روزنامه‌های برجسته آمریکا درباره انرژی هسته‌ای ایران» به قلم ایزدی و سقای بی‌ریا در سال ۱۳۸۷ نگارش شده است. نویسندگان مقاله ضمن بهره‌گیری از مفاهیم شرق‌شناسی ادوارد سعید^۳ (۱۹۷۸) و همچنین استفاده از دیدگاه تحلیلی ون‌دایک (۱۹۹۸) با عنوان مربع ایدئولوژیک، به تحلیل گفتمان انتقادی سرمقاله‌های چند روزنامه آمریکایی درباره موضوع هسته‌ای ایران پرداخته‌اند که در آن، تمامی سرمقاله‌های سه روزنامه نیویورک تایمز^۴، وال استریت ژورنال^۵ و واشنگتن پست درباره انرژی هسته‌ای ایران در فاصله سال‌های ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۳ مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از این روزنامه‌ها فرضیات طرح شده درباره برنامه هسته‌ای ایران مبنی بر داشتن برنامه‌ای سری برای دستیابی به سلاح هسته‌ای، ماهیت تهدیدکننده دولت ایران و غیرقابل اطمینان بودن آن را به چالش نمی‌کشند. در واقع این روزنامه‌ها به سیاست‌های تناقض‌آمیز آمریکا و سایر قدرت‌ها بی‌اعتنا هستند و از سیاست‌های رسمی این کشورها انتقاد نمی‌کنند.

در مقاله‌ای دیگری به قلم سلطانی و شاه‌قاسمی (۱۳۸۹) با عنوان «آیا این مرد به بمب اتم دست می‌یابد»، نحوه انعکاس مناقشات هسته‌ای ایران در مطبوعات آمریکا در



1. Van Dijk
2. transitivity
3. Edward Said
4. The New York Times
5. The Wall street Journal



چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهشگران در مقاله مذکور به بررسی این سؤال پرداخته‌اند که چگونه این ایدئولوژی‌ها به نویسندگان مطبوعات منتقل می‌شوند. بدین منظور چگونگی بازنمایی مناقشات اتمی ایران در یکی از سرمقاله‌های مجله تایم را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج تحلیل مقاله مذکور بر مبنای الگوی ون‌دایک (۱۹۹۷) نشان می‌دهد که نظرات موجود در مطالب نوشتاری مطبوعات، بسته به نوع و جایگاه روزنامه، در پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک آنها بسیار متفاوت است. با توجه به اینکه متون رسانه‌ای و مطبوعاتی بیش از همه انعکاس‌دهنده ایدئولوژی‌ها و دیدگاه‌ها در قالب استفاده خاص از ساختارهای زبانی هستند، بازنمایی این ایدئولوژی‌ها که عموماً به صورت نهفته در این رسانه‌ها وجود دارد، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. در پژوهش‌هایی که تاکنون در مورد برنامه هسته‌ای ایران صورت گرفته، به صورت هم‌زمان به بررسی این موضوع در رسانه‌های داخلی و خارجی پرداخته نشده است و از این جهت، این پژوهش می‌تواند در نوع خود کار جدیدی تلقی شود.

چارچوب نظری

این پژوهش در چارچوب گفتمان انتقادی و بر اساس الگوی ون لیوون (۱۹۹۶) صورت گرفته است. وی برای اولین بار مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی را برای بررسی متون معرفی کرد و معتقد است که تحلیل متن با استفاده از این مؤلفه‌ها، شناختی به مراتب عمیق‌تر و جامع‌تر از متن ارائه می‌دهد و در نتیجه آنها بر مؤلفه‌های زبان‌شناختی رجحان دارند. در ادامه به معرفی و بررسی این مؤلفه‌ها می‌پردازیم.

ون لیوون (۲۰۰۸: ۱۴۹) هدف خود را از بیان چارچوب نظری‌ای که در سال ۱۹۹۶ با عنوان بازنمایی کارگزاران اجتماعی ارائه شد، تحلیل تدابیر و امکاناتی می‌داند که زبان انگلیسی برای بازنمایی نقش و هویت کارگزاران اجتماعی از آنها استفاده می‌کند. وی (۲۰۰۹: ۲۷۶) عنوان می‌کند که برای توسعه تحلیل گفتمان انتقادی به جای استفاده از صورت‌های دستوری معمول مانند ساخت مجهول و یا اسم‌سازی، از مفاهیم گفتمانی معنایی مانند حذف استفاده کرده است تا به وسیله آن حذف کارگزاران را از رخدادهایی که در آن شرکت داشته‌اند، بازنمایی کند. آن‌چنان‌که ذکر شد چارچوب نظری ون لیوون در زمینه بهره‌گیری از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی در تحلیل گفتمان انتقادی اولین

نمونه محسوب می‌شود؛ زیرا تا پیش از ارائه این الگو، مطالعات در این زمینه بر تظاهرات زبان‌شناختی متمرکز بود.

حذف و اظهار دو مؤلفه اصلی الگوی مذکور هستند که خود به زیرمؤلفه‌های متعددی تقسیم می‌شوند. تولیدکنندگان گفتمان با توجه به منظور و هدف خود ممکن است کارگزاران اجتماعی را در تصویرسازی‌های خود حذف کنند. حذف یا به صورت «پنهان‌سازی»^۱ یا به صورت «کمرنگ‌سازی»^۲ نمایان می‌شود.

ون لیوون (۲۰۰۹: ۲۸۲) معتقد است که این نوع حذف، عامدانه و نظام‌مند است و متفاوت از حذفیاتی است که علت استفاده از آنها مبتنی بر این فرض است که خواننده آن را از قبل می‌داند و حذفیات بی‌غرض محسوب می‌شوند. سایر زیرمؤلفه‌های الگو به مؤلفه اظهار تعلق دارند. اظهار به این معنی است که ظاهر شدن کارگزاران در گفتمان به شیوه‌های مختلف صورت می‌گیرد. بازنمایی کارگزار در این مؤلفه با استفاده از دو زیرمؤلفه فعال‌سازی^۳ و منفعل‌سازی^۴ است. در فعال‌سازی کارگزار به‌عنوان نیرویی فعال و پویا نمود می‌یابد، در حالی که در منفعل‌سازی کارگزار به‌عنوان عنصری تحت تأثیر، تصویرسازی می‌شود.

۱. در اقدام تروریستی عوامل استکبار جهانی صورت گرفت؛ شهادت معاون هسته‌ای نطنز (ایران، ۲۲ دی، ۱۳۹۰)

۲. ترور دانشمندان هسته‌ای در تهران، ژنرال اسرائیلی خبر داده بود. (کیهان، ۲۲ دی، ۱۳۹۰)

3. Iranian scientist *killed* in Tehran bombing. (Washington post, Jun 11, 2012)

دانشمند هسته‌ای ایران در عملیات بمب‌گذاری در تهران کشته شد.

4. Iranian nuclear scientist killed in Tehran bomb explosion (Guardian, Jun 11, 2012)

دانشمند هسته‌ای ایران در انفجار بمب در تهران کشته شد.

در جملات ۱ و ۲ به ترتیب «عوامل استکبار جهانی» و «ژنرال اسرائیلی» فعال‌سازی

-
1. suppression
 2. backgrounding
 3. activation
 4. passivation



شده‌اند. در جملات ۴ و ۵ نیز «دانشمند هسته‌ای ایران» تحت تأثیر عمل و در نتیجه منفعل‌سازی شده است.

در پیوند زدن، کارگزاران مشخص شده ممکن است به شکل گروه‌هایی نمایانده شوند که در مورد فعالیت یا نظری خاص، دیدگاه واحدی (موافق یا مخالف) دارند. جملات زیر نمونه‌ای از این مؤلفه هستند:

۵. ایران خطاب به آمریکا و اسرائیل: مسئولیت ترور دانشمندان ایرانی مستقیماً با شماست. (کیهان، ۲۱ خرداد، ۱۳۹۰)

۶. جواد لاریجانی: احمد شهید به ایران بیاید و ترور دانشمندان ایرانی را گزارش کند؛ مناقشه لفظی نمایندگان ایران و آمریکا (کیهان، ۲۴ اسفند، ۱۳۹۰)

7. Barak Obama warns Iran and North Korea over nuclear weapons. (Guardian, Mar 20, 2011)

هشدار باراک اوباما به ایران و کره شمالی دربارهٔ دستیابی به تسلیحات هسته‌ای

8. Iran accuses US and Britain of role in killing of nuclear scientist. (Guardian, Jun 14, 2012)

ایران، آمریکا و انگلیس را متهم به دست داشتن در قتل دانشمند هسته‌ای این کشور کرد. در مؤلفه تفکیک کردن، یک فرد یا یک گروه اجتماعی از کارگزاران صریحاً از دیگر گروه‌های مشابه تفکیک می‌شود. از این طریق گروهی «خودی» طبقه‌بندی می‌شوند و گروهی «غیرخودی».

۹. البرادعی: غربی‌ها به‌طور مرتب در موضوع هسته‌ای ایران دخالت می‌کنند. (ایران، ۳۰ فروردین، ۱۳۹۰)

۱۰. غریب‌آبادی: ایران در کنفرانس منع سلاح‌های شیمیایی لاهه، چهرهٔ ضدامنیتی آمریکا را به جهان نشان داد. (کیهان، ۱۶ آذر، ۱۳۹۰)

11. Russian scientists at center of Iranian mystery. (Washington post, Nov 14, 2011)

دانشمندان روسی در مرکز معمای ایرانی

12. Western powers agree to resume Iran talks over nuclear program. (Guardian, Mar 6, 2011)



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۳۸

دورهٔ هشتم
شمارهٔ ۱
بهار ۱۳۹۴

موافقت قدرت‌های غربی برای از سرگیری مذاکرات با ایران درباره برنامه هسته‌ای آن و بالاخره اینکه در مؤلفه طبقه‌بندی کردن، کارگزاران اجتماعی ممکن است بر حسب نقشی که به آنها داده می‌شود یا بر حسب ویژگی ذاتی و دائمی آنها و یا بر حسب ارزش فرهنگی یا اجتماعی طبقه‌بندی شوند. از این رو، این مؤلفه‌ها به ترتیب نقش‌دهی^۱، هویت‌دهی^۲ و ارزش‌دهی^۳ نام گرفته‌اند.

۱۳. رهبر انقلاب در دیدار با خانواده شهیدان رضایی‌نژاد و احمدی‌روشن: ترور *نخبگان علمی* نشان‌دهنده عظمت کار آنهاست. (کیهان، ۱ بهمن، ۱۳۹۰)

۱۴. با شهادت مجید شهریاری، گرایش دانشجویان در زمینه هسته‌ای بیشتر شده است. (کیهان، ۱۰ آذر، ۱۳۹۰)

۱۵. ترور دانشمندان ایرانی رشوه منافقین به آمریکا برای خروج از فهرست (کیهان، ۱۸ اسفند، ۱۳۹۰).

در جملات فوق به ترتیب «نخبگان علمی» نقش‌دهی، «شهادت» هویت‌دهی و «منافقین» ارزش‌دهی تلقی می‌شوند.

توصیف و تحلیل داده‌ها

فرکلاف^۴ (۱۹۹۶) معتقد است که رسانه‌ها برخلاف آنچه ادعا می‌کنند، در انعکاس خبرها بی‌طرف نیستند و نحوه انعکاس خبرها منطبق با ایدئولوژی و دیدگاهی است که از آن طرفداری می‌کنند و حامی آن هستند. بر مبنای این گفته، می‌توان انتظار داشت که رسانه‌ها بر اساس ایدئولوژی مورد حمایت خود، خبری واحد را به صورت‌های متفاوت انعکاس دهند.

تحلیل داده‌ها مربوط به دو مؤلفه حذف و اظهار مؤید دیدگاه فوق است که در آن برای انعکاس خبری واحد، از دو مؤلفه متفاوت استفاده شده است. برای مثال درباره موضوع کشته شدن دانشمندان هسته‌ای ایران، راهکار روزنامه‌های خارجی، استفاده از مؤلفه حذف و به‌طور مشخص پنهان‌سازی بوده است، در حالی که روزنامه‌های داخلی از مؤلفه اظهار و مشخصاً فعال‌سازی استفاده کرده‌اند. جملات ۱-۴ (در بخش مبانی نظری) مثالی از این

1. functionalization
2. identification
3. appraisalment
4. Fairclough



مورد هستند. در روزنامه کیهان با استفاده از عنوان «عوامل استکبار جهانی»، آمریکا و کشورهای غربی عملاً به شکلی غیرمستقیم، به عنوان مسببان قتل دانشمند ایرانی معرفی شده‌اند. در روزنامه ایران نیز با ذکر این عنوان که «ژنرال اسرائیلی خبر داده بود»، با فعال‌سازی اسرائیل به عنوان کشوری که مسئول آن از قبل درباره ترور دانشمندان ایرانی اطلاع داشته است، معرفی می‌شود. اما دو روزنامه خارجی برای انعکاس همین خبر با استفاده از ساخت مجهول، اقدام به حذف کارگزار کرده است و عملاً عوامل ترور دانشمند ایرانی ناشناس باقی مانده‌اند. استفاده از این شگردها در انعکاس خبری واحد، نشانگر ساختار ایدئولوژیک خبرهاست و بیانگر این مطلب است که رسانه‌ها دیدگاه مورد حمایت خود را در قالب استفاده از ساختارهای زبانی گوناگون به مخاطبان‌شان عرضه می‌کنند.

نکته قابل توجه دیگری که در روزنامه گاردین در انعکاس این خبر به چشم می‌خورد و مؤید مطالب طرح شده درباره بازنمایی ایدئولوژی است، از عناوین زیر استنباط می‌شود:

16. Iran nuclear scientist attacks; a covert war that carries serious risks.
(Guardian, Jan 11, 2012)

حمله به دانشمند هسته‌ای ایران؛ مبارزه پنهانی که مخاطرات جدی را به همراه دارد.

17. A covert campaign is the only way to stop Iran's nuclear ambitions.
(Guardian, Jan 12, 2012)

تنها راه توقف جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران، مبارزه پنهانی با این کشور است. در جمله ۱۶ که مربوط به روز ترور دانشمند ایرانی است، این ترور نوعی مبارزه پنهانی علیه ایران و مشخصاً برنامه هسته‌ای این کشور تلقی شده است. جمله ۱۷ مربوط به روز بعد از این رخداد است. در این جمله، ضمن حذف نام عامل (یعنی کشورهای که در این مبارزه هستند)، راه برخورد با ایران همین مبارزه پنهانی، یعنی ترور دانشمندان هسته‌ای معرفی شده است. نگارندگان معتقدند که این امر را نیز می‌توان به نوعی بیان ایدئولوژی و دیدگاه نهادهای قدرتی دانست که روزنامه نامبرده حامی آنهاست. ویژگی مؤلفه پیوند زدن، باز نمود کارگزاران به صورت گروه‌های مشخصی است که در مورد عملی واحد، نظری واحد دارند که این دیدگاه می‌تواند موافق یا مخالف باشد.



در جملات ۵-۸ کارگزاران از حیث داشتن نظری واحد یا مخالف یا شرکت در عملی یکسان با هم پیوند داده شده‌اند. به اعتقاد نگارندگان پیوند دادن کارگزاران از حیث داشتن نظری واحد یا مخالف در امری، می‌تواند در جهت نشان دادن باورهای مشترک یا متضاد آنها باشد. برای نمونه، پیوند دادن دو کشور «ایران و کره شمالی» در جمله ۷ به نوعی معرف اشتراکات این دو یا یکسان دانستن آنها از حیث داشتن خطری واحد برای آمریکا است یا در جمله ۸ پیوند دادن آمریکا و انگلیس به این معناست که آنها در ترور دانشمندان ایرانی سهمی یکسان دارند و نقش هر دو در این مسئله به یک اندازه است.

در تفکیک کردن، کارگزاران در قالب گروه‌های خودی یا غیرخودی از دیگران مجزا می‌شوند. استفاده از این مؤلفه برخلاف پیوند زدن، به منظور جداسازی و تفکیک کارگزاران از یکدیگر است. در جملات ۹ و ۱۰ «غربی‌ها» و «آمریکا» به طور مشخص از سایرین متمایز شده‌اند. در جمله ۱۱ نیز دانشمندان روسی مشخصاً در مرکز توجه قرار گرفته‌اند و در جمله بعد نیز «غربی‌ها»، عملاً به عنوان مهم‌ترین مخالفان و سنگ اندازان بر سر راه برنامه هسته‌ای ایران معرفی شده‌اند. این امر را می‌توان در جهت تقسیم‌بندی خودی و غیرخودی تلقی کرد؛ بدین معنی که قدرت‌های غربی در یک جبهه واحد و ایران نیز در جبهه‌ای دیگر است و به نوعی گروه‌های دارای ایدئولوژی یکسان در یک سو و گروه‌های دارای ایدئولوژی مخالف، در سوی دیگر قرار دارند.

در طبقه‌بندی، تصویرسازی کارگزار بر حسب ویژگی‌های متفاوتی است که یکی از آنها ارزش‌دهی است. ون لیوون (۱۹۹۶: ۵۸) معتقد است که ارزش‌دهی، استفاده از اصطلاحات و عباراتی است که در کنار نام کارگزار می‌آید و او را به صورت خوب یا بد، مثبت یا منفی و مورد علاقه یا مورد تنفر ارزشیابی می‌کند. بنابراین ارزش‌دهی می‌تواند مثبت یا منفی باشد. جمله ۱۴ نمونه‌ای از ارزش‌دهی مثبت است.

اگرچه ون لیوون (۱۹۹۶) صرفاً فحش و ناسزا را ارزش‌دهی منفی می‌داند، اما غیائیان (۱۳۸۸) با بسط این مفهوم معتقد است که استفاده از عباراتی نظیر «رژیم» به جای حکومت که در رسانه‌های داخلی و خارجی استفاده می‌شود یا «تروریست‌های شیعه» به جای حزب‌الله که در رسانه‌های خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد نیز می‌تواند مصادیقی از ارزش‌دهی منفی باشد.



«رژیم صهیونیستی» و «منافقین» در جملات زیر نمونه‌هایی از ارزش‌دهی منفی در این مفهوم هستند.

۱۸. وزیر امور خارجه: رژیم صهیونیستی تنها مانع ایجاد خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای است (ایران، ۲۳ خرداد، ۱۳۹۰).

۱۹. ترور دانشمندان ایرانی رشوه منافقین به آمریکا برای خروج از فهرست (کیهان، ۱۸ اسفند، ۱۳۹۰).

در روزنامه‌های خارجی نمونه‌هایی یافت شد که اگرچه متفاوت از نمونه‌های ذکر شده توسط غیائی (۱۳۸۸) است، اما به اعتقاد نگارندگان می‌تواند به‌عنوان مصادیق ارزش‌دهی منفی درباره برنامه هسته‌ای ایران قلمداد شود.

20. *Defiant* Iran loads own fuel rods into reactor. (Washington post, Feb 15, 2012)

ماجراجویی ایران با تزریق سوخت هسته‌ای ساخت خود به رآکتورها

21. *Iran claims* major steps in nuclear fuel. (Washington post, Feb 15, 2012)

ایران ادعا می‌کند که در زمینه تولید سوخت هسته‌ای گام‌های مهمی برداشته است.

22. *Wishful thinking* about a *nuclear – armed* Iran. (Washington post, Dec 15, 2011)

خوش‌بینی درباره ایران مسلح به سلاح هسته‌ای

23. *Iran's nuclear underground sites are vulnerable*, experts say. (Washington post, Feb 29, 2012)

کارشناسان معتقدند که سایت‌های زیرزمینی ایران آسیب‌پذیرند.

24. *Iran begins enriching uranium at underground bunker.* (Guardian, Jun 9, 2012)

ایران غنی‌سازی اورانیوم را در پایگاه‌های زیرزمینی آغاز کرد.

در جمله ۲۰ «تزریق سوخت ساخت داخل به رآکتورها» از سوی ایران ماجراجویی تلقی شده است. در جمله ۲۱ نیز استفاده از فعل «ادعا کردن»، ارزش‌دهی منفی به پیشرفت‌های ایران در برنامه هسته‌ای اش است؛ بدین معنا که این پیشرفت ممکن است



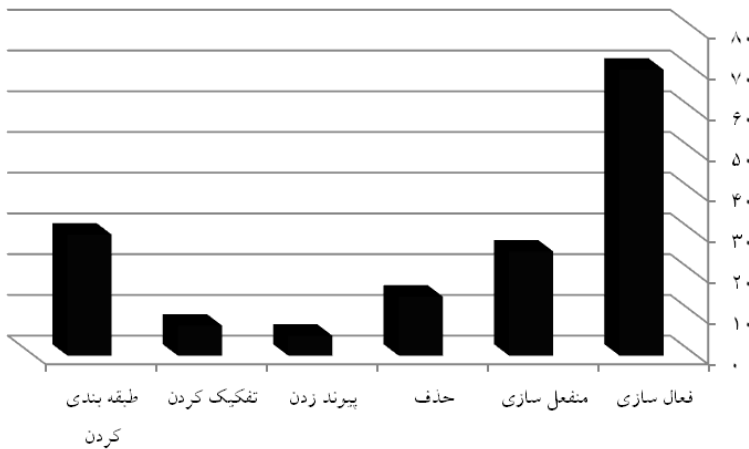
صرفاً یک ادعا باشد تا واقعیت. در جمله ۲۲ با استفاده از عبارت «مسلح به سلاح هسته‌ای»، هدف برنامه هسته‌ای ایران، دسترسی به تسلیحات هسته‌ای قلمداد شده است نه داشتن مقاصد صلح‌آمیز. در جمله بعد از آن نیز با استفاده از عبارت «آسیب‌پذیر بودن» عملاً توانایی‌ها و امکانات ایران، به نوعی غیرقابل اعتماد معرفی می‌شوند؛ کمالینکه در موارد دیگر نیز به موفقیت‌های ایران در این زمینه اهمیت چندانی داده نشده است و در جمله ۲۴ نیز با بیان «آغاز غنی‌سازی در پایگاه‌های زیرزمینی» بار دیگر بر بُعد خطرناک برنامه هسته‌ای ایران و فعالیت‌های سری آن تأکید می‌شود. نمونه‌های ذکر شده می‌توانند باز هم مؤید این امر باشند که ایدئولوژی و دیدگاه صاحبان رسانه‌ها در ساخت‌های زبانی‌ای که مورد استفاده قرار می‌دهند، به نوعی پنهان است و آنها با استفاده از این شیوه، عقیده خود درباره موضوع مورد بحث را به مخاطبان نشان القا می‌کنند.

در تحلیل کمی داده‌ها، با استفاده از نرم‌افزار اکسل بسامد به‌کارگیری مؤلفه‌ها تعیین شد که نتایج قابل توجهی را به همراه داشت. تعیین بسامد و میزان بهره‌گیری روزنامه‌ها از عناصر جامعه‌شناختی - معنایی مشخص می‌کند که هریک از دو گروه روزنامه‌های داخلی و خارجی برای انعکاس خبر، بیشتر از کدام مؤلفه‌ها استفاده کرده‌اند. تفاوت در میزان استفاده می‌تواند تفاوت در هدف و مقصود را نشان دهد. برای مثال، استفاده بیشتر از مؤلفه فعال‌سازی، به هدف مطرح ساختن کارگزار است و چنانچه از مؤلفه حذف بیشتر استفاده شده باشد، به این معنی است که این روزنامه‌ها بیشتر سعی در پنهان‌سازی و کمرنگ‌سازی واقعیت داشته‌اند.

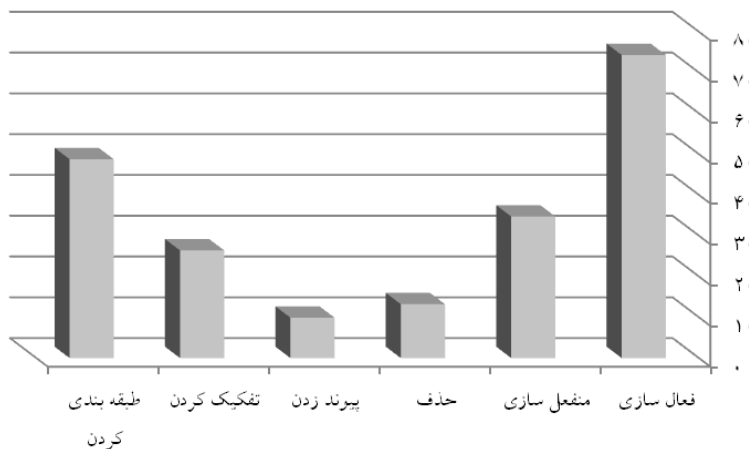
جدول ۱. درصد مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در روزنامه‌های داخلی و خارجی

ردیف	مؤلفه‌ها	درصد مؤلفه‌ها در روزنامه‌های داخلی	درصد مؤلفه‌ها در روزنامه‌های خارجی
۱	فعال‌سازی	۷۴/۳	۷۰/۲
۲	متفعل‌سازی	۳۴/۷	۲۵/۶
۳	حذف	۱۳/۲	۱۴/۵
۴	پیوند زدن	۹/۹	۴/۹
۵	تفکیک کردن	۲۶/۴	۷/۴
۶	طبقه‌بندی کردن	۴۸/۷۶	۲۹/۷۵





نمودار ۱. درصد مؤلفه‌های جامعه‌شناختی- معنایی در عناوین روزنامه‌های خارجی



نمودار ۲. درصد مؤلفه‌های جامعه‌شناختی- معنایی در روزنامه‌های داخلی

همان‌طور که نمودارها نشان می‌دهند، درصد بهره‌گیری از مؤلفه حذف در روزنامه‌های خارجی بیشتر از روزنامه‌های داخلی است؛ هرچند این اختلاف جزئی است، به‌گونه‌ای که این میزان در روزنامه‌های خارجی ۱۴ درصد و در روزنامه‌های داخلی ۱۳ درصد است. در روزنامه‌های داخلی از دو زیرمؤلفه اظهار یعنی فعال‌سازی و

منفعل‌سازی به‌ترتیب ۷۴ و ۳۴ درصد استفاده شده است، در حالی که روزنامه‌های خارجی از این دو مؤلفه به‌ترتیب ۷۰ و ۲۵ درصد بهره‌گرفته‌اند. این امر در خصوص دیگر مؤلفه‌ها نیز صادق است. نسبت استفاده از این مؤلفه‌ها در روزنامه‌های داخلی به خارجی به‌ترتیب پیوند زدن ۹ به ۴ و تفکیک کردن ۲۶ به ۱۱ درصد است. درصد استفاده از ارزش‌دهی نیز که از زیرمؤلفه‌های طبقه‌بندی است و در بررسی آماری به همراه سایر زیرمؤلفه‌های آن یعنی نقش‌دهی و هویت‌دهی محاسبه شد، در روزنامه‌های داخلی ۴۸ و در روزنامه‌های خارجی ۲۹ است.

راهکار مورد استفاده در هر دو گروه از روزنامه‌ها، فعال‌سازی مثبت کارگزاران موافق با ایدئولوژی آنها و فعال‌سازی منفی یا منفعل‌سازی مخالفان دیدگاه مورد حمایت آنها بوده است که این امر با نسبت‌های متفاوتی صورت گرفته است. حذف تنها مؤلفه‌ای است که روزنامه‌های خارجی از آن بیشتر بهره‌گرفته‌اند. این بهره‌گیری کاملاً هدفمند و عموماً با استفاده از ساختار مجهول بوده (مانند جملات ۳ و ۴) که در جهت پنهان‌سازی کارگزار به کار رفته است. درصد استفاده از مؤلفه‌های پیوند زدن، تفکیک‌کردن و طبقه‌بندی نیز در روزنامه‌های داخلی بیشتر است. درصد بهره‌گیری از این مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که استفاده از این مؤلفه نیز در جهت حمایت از ایدئولوژی مورد علاقه و تقابل با دیدگاه مخالف صورت گرفته است. بدین معنا که پیوند زدن یا تفکیک کردن کارگزاران بر حسب داشتن دیدگاه موافق یا مخالف صورت گرفته است. در بهره‌گیری از مؤلفه طبقه‌بندی و مشخصاً ارزش‌دهی نیز تأثیر دیدگاه مورد حمایت روزنامه‌ها کاملاً محسوس است که این امر با ارزش‌دهی منفی دستاوردهای طرف مقابل و ارزش‌دهی مثبت کارگزاران و عملکرد خودی‌ها حاصل شده است.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که عنوان شد، استدلال و ن‌لیوون از رجحان دادن مؤلفه‌های جامعه‌شناختی‌معنایی بر مؤلفه‌های زبان‌شناختی این است که مطالعه این نوع از مؤلفه‌ها، شناختی به‌مراتب عمیق‌تر و جامع‌تر از متن ارائه می‌دهند. ضمن اینکه این مؤلفه‌ها، ساختارهای گفتمان‌مداری هستند که انعکاس‌دهنده ایدئولوژی خاصی هستند. تحلیل داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌های جامعه‌شناختی‌معنایی که در برنامه





هسته‌ای ایران در خدمت بازنمایی ایدئولوژی قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از: فعال‌سازی، منفعل‌سازی، حذف، پیوند، تفکیک کردن و طبقه‌بندی کردن که مهم‌ترین زیرمجموعه طبقه‌بندی، ارزش‌دهی به صورت مثبت و منفی است. تحلیل داده‌ها حاکی از این است که هر دو گروه از روزنامه‌ها از هر شش نوع مؤلفه جامعه‌شناختی-معنایی برای بازنمایی ایدئولوژی استفاده کرده‌اند، اما میزان استفاده و نحوه به‌کارگیری این مؤلفه‌ها متفاوت است. از نظر میزان استفاده از مؤلفه‌ها، گرچه هر دو گروه، در مؤلفه فعال‌سازی بیشترین میزان استفاده و در پیوند زدن کمترین میزان را داشته‌اند، اما در استفاده از مؤلفه «حذف»، روزنامه‌های خارجی بسامد بیشتری نسبت به روزنامه‌های داخلی داشته‌اند. همان‌طور که قبلاً ذکر شد، حذف مؤلفه‌ای است که در آن کارگزار اجتماعی حذف می‌شود و در گفتمان ذکر نمی‌گردد. این مؤلفه که به صورت پنهان‌سازی یا کم‌رنگ‌سازی بروز می‌کند، در داده‌های پژوهش بیشتر در جهت پنهان کردن کارگزار و عامل انجام کار استفاده شده است. تحلیل داده‌ها همچنین نشان می‌دهد که نحوه به‌کارگیری مؤلفه‌ها نیز در هیچ از دو گروه یکسان نبوده است. استفاده متفاوت و البته هدفمند از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار، حتی برای انعکاس خبرهای واحد، عملاً بیانگر دیدگاه مورد نظر این روزنامه‌ها و منطبق بر ایدئولوژی مورد حمایت آنهاست. برای مثال، درباره موضوع کشته شدن دانشمندان هسته‌ای ایران، راهکار روزنامه‌های خارجی، استفاده از مؤلفه حذف برای عاملان و مشخصاً پنهان‌سازی بوده است، در حالی که روزنامه‌های داخلی از مؤلفه اظهار و مشخصاً فعال‌سازی استفاده کرده‌اند. روزنامه‌های داخلی با استفاده از عنوان «عوامل استکبار جهانی» (مثال شماره ۱)، آمریکا و کشورهای غربی را به شکلی غیرمستقیم، مسبب قتل دانشمند ایرانی معرفی کرده‌اند و یا با ذکر عنوان «ژنرال اسرائیلی خبر داده بود» (مثال شماره ۲)، با فعال‌سازی اسرائیل، این کشور به عنوان کشوری که مسئول آن از قبل درباره ترور دانشمندان ایرانی اطلاع داشته است، معرفی می‌شود. اما دو روزنامه خارجی برای انعکاس همین خبر با استفاده از ساخت مجهول (مثال‌های شماره ۳ و ۴)، اقدام به حذف کارگزار کرده‌اند و عملاً عوامل ترور دانشمند ایرانی ناشناس باقی مانده‌اند. استفاده از عنوان «مبارزه پنهانی» (مثال‌های شماره ۱۶ و ۱۷)، برای ترور دانشمند هسته‌ای از سوی روزنامه گاردین، این ایدئولوژی را القا می‌کند که مسبب این ترور، اصرار مسئولان ایران در استفاده از نیروگاه‌های

هسته‌ای است که مبارزه پنهانی را به همراه خواهد داشت. همچنین در مورد استفاده از مؤلفه تفکیک کردن، در روزنامه‌های داخلی، غرب و آمریکا (مثال‌های شماره ۹ و ۱۰) به‌عنوان نیروهای غیرخودی و در روزنامه‌های خارجی، ایران و کره شمالی (مثال شماره ۷) در این مقابله به‌عنوان نیروهای غیرخودی تفکیک شده‌اند. در خصوص مؤلفه ارزش‌دهی، روزنامه‌های خارجی بیشتر از ارزش‌دهی منفی برای طرف مقابل استفاده کرده‌اند. (مثال‌های شماره ۲۰ تا ۲۴). روزنامه‌های خارجی بیشتر به منفی‌سازی طرف مقابل و اطلاق ویژگی‌های منفی به آن پرداخته‌اند تا از آن مشروعیت‌زدایی کنند؛ از آن جمله: «ایران ماجراجو» (مثال شماره ۲۰)، «مسلح به سلاح هسته‌ای» (مثال شماره ۲۲)، «دارای نیروگاه‌های زیرزمینی» (مثال‌های شماره ۲۳ و ۲۴) و ... هستند. استفاده از این شگردها در انعکاس خبری واحد، نشانگر ساختار ایدئولوژیک خبرهاست و بر این نکته صحنه می‌گذارد که علی‌رغم ادعای رسانه‌ها مبنی بر بازتاب بی‌طرفانه خبرها، روزنامه‌ها با استفاده از مؤلفه‌هایی خاص برای انعکاس خبرها، به‌نوعی دیدگاه مورد حمایت خود را در قالب استفاده از ساختارهای زبانی گوناگون به مخاطبان‌شان عرضه می‌کنند.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۴۷

نحوه بازنمایی
ایدئولوژی در ...

منابع

- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۹۰). *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ایزدی، فؤاد، و سقای بی‌ریا، حکیمه (۱۳۷۸). *تحلیل گفتمان انتقادی روزنامه‌های برجسته آمریکا درباره انرژی هسته‌ای ایران*. ترجمه سیدجمال‌الدین اکبرزاده، نشریه رسانه، شماره ۱۶ (۱)، ۱۰-۱۲۵.
- ربیعی، علی، و احمدزاده نامور، فرناز (۱۳۸۷). *نظریه بازنمایی رسانه‌ها و تحلیل افکار عمومی متقابل آمریکایی‌ها و ایرانی‌ها*. مجله دانش سیاسی، ۴ (۲)، ۳۷-۶۲.
- رزمجو، آیت...، و ثانوی، سحر (۱۳۷۸). *بررسی شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران در زبان اخبار؛ تحلیل گفتمان انتقادی با عنایت به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی*. فصلنامه پازند، ۴ (۱۳)، ۴۱-۶۵.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان؛ سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر نی.
- سلطانی، علی اصغر، تفضلی، بیژن، و صدقی چوکانو، رضا (۱۳۸۷). *تحلیل گفتمان رسانه‌ها*. فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۴۲ (۴)، ۶۵-۹۴.
- سلطانی، علی اصغر، و شاه‌قاسمی، احسان (۱۳۸۹). *آیا این مرد به بمب اتم دست می‌یابد؛ نگاهی به بازنمایی مناقشات اتمی ایران در مطبوعات آمریکا*. مجله جهانی رسانه، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، ۱۰، ۱-۱۴.
- شمس، محمدرضا (۱۳۸۵). *بررسی گفتمان انتقادی مسئله هسته‌ای ایران در روزنامه‌های انگلیس*. رساله دکتری آموزش زبان انگلیسی. دانشگاه اصفهان.
- غیثیان، مریم (۱۳۸۸). *بازتاب نگرش فرهنگی غرب نسبت به ایران در ساختارهای زبانی در نشریات انگلیسی زبان*. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۲ (۱)، ۱۲۳-۱۳۹.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۷۸). *رسانه‌ها و بازنمایی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: انتشارات هرمس.
- یارمحمدی، لطف‌الله، و رشیدی، ناصر (۱۳۸۲). *پژوهشی در میزان صراحت یا پوشیدگی پیام در گزیده سرمقاله‌های روزنامه‌های ایران: رابطه بین ساختارهای گفتمان‌مدار و ساختارهای زیربنایی فکری-اجتماعی*. نامه فرهنگ، ۳ (۴۷)، ۲۳-۵۹.
- Coulthard, C.R. & Coulthard, M. (eds.). *Text and Practices: Readings in CDA*. London: Routledge.
- Fairclough, N. (1995). *Critical Discourse Analysis*. London: Longman.
- Fairclough, N. (1996). *Language and Power*. London: Longman.
- Fairclough, N. (2004). *Analyzing Discourse*. London: Routledge.
- Hall, S. (2013). *Cultural Representation and Signifying Practices*. UK: Sage Publications.
- Hamilton, H.E (eds.), *Handbook of Discourse*. London: Routledge.



- Van Leeuwen, T. A. (1996). *The Representation of Social Actors*, In Caldas
- Van Leeuwen, T. A. (2008). *Discourse and Practice*. London: Oxford University press.
- Van Leeuwen, T. A. (2009). *Critical Discourse Analysis*. In Schiffrine, D. Tanen. &



فصلنامه علمی- پژوهشی

۱۴۹

نحوه بازنمایی
ایدئولوژی در...